

## مقایسه پدیده تکریم در متون دینی اسلام و زرتشتی

آزاده شریفی مقدم<sup>۱\*</sup>، محمدرضا فخر روحانی<sup>۲</sup>، مریم حاجی‌لو<sup>۳</sup>

۱. دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

۲. استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه قم

۳. کارشناسی ارشد زبان‌شناسی

دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۲۰ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۰۶

## Comparison between 'Honorification' in Islamic and Zoroastrian Texts

Azadeh Sharifi moghadam <sup>\*1</sup>, MohammadReza Fakhrouhani<sup>2</sup>, Maryam Hajiloo<sup>3</sup>

1. Associate Professor of Linguistics, Shahid Bahonar University of Kerman

2. Assistant Professor of English Language and Literature, University of Qom

3. MA. in Linguistics

Received: 2018/12/11 Accepted: 2019/01/26

### Abstract

Honorifics are social deixis which serve as signs of respect and politeness for references to certain noun phrases in order to show dignity of addressee(s). The purpose of this study is to compare the use of honorific terms and phrases in the two religions of Islam and Zoroastrianism. The data were collected from written and oral religious texts which were then examined and compared to each other in terms of structures, meanings and pragmatic use. The findings are as follows: In the two religions, honorifics appear both before and after the nominal; however, Islamic honorifics are longer in structures and more various in types, while in Zoroastrian they appear before the head. In both corpora in addition to religious figures, honorific terms were used for the places, objects and phenomena related to religion. In addition to unmarked honorifics, the corpus of the two religions contained marked honorifics which appear with some certain names. Both religions contain prohibited verbal and non-verbal behaviors (taboo) such as silence which can be referred to as a common feature in the two ceremonies. Finally, both religions contain items opposite to the honorifics with the meaning of hatred and disgust. Along with the similarities mentioned above, the significant difference between the two corpora is that the use of honorifics in Islam is motivated by a kind of religious duty known as 'amity' and 'animosity'.

**Keywords:** sociolinguistics, honorific terms, humilitative terms, Islamic texts; Zoroastrian texts, prohibited words, markedness.

### چکیده

ادوات تکریمی آن دسته از صورت‌های اشاری اجتماعی هستند که به عنوان نشانه‌های ادب و احترام نسبت به برخی مصادیق اسمی و در جهت رمزگذاری شأن اجتماعی بالای مخاطب به کار می‌روند. هدف از پژوهش حاضر، بررسی و مقایسه الفاظ و عبارات تکریمی در متون دینی اسلام و آیین زرتشتی است. پیکره مورد بررسی، آن دسته از ادوات تکریمی بود که از متون کتبی و شفاهی متعلق به دو دین جمع‌آوری شد و سپس به لحاظ ساختاری، معنایی و کاربردشناسی مورد مقایسه قرار گرفت. بررسی داده‌ها بیانگر یافته‌های زیر بود: در هر دو پیکره، عبارات تکریمی هم در جایگاه قبل و هم پس از هسته قرار می‌گیرند؛ با این تفاوت که در اسلام ادوات تکریم دارای گستره و تنوع بیشتری بوده و ساختار طولانی‌تری دارند و در زرتشتی، عبارات دعایی در جایگاه پس از هسته اسمی قرار می‌گیرند. در هر دو پیکره، علاوه بر شخصیت‌های مذهبی، ازمنه، مکان‌ها، اجسام و پدیده‌های مرتبط با دین که دارای وجهه دینی هستند نیز مورد تکریم قرار می‌گیرند. علاوه بر ادوات تکریم عام، داده‌های متعلق به هر دو پیکره حاوی اقلام نشان‌داری بود که در هم‌نشینی با هسته‌های اسمی مشخصی می‌آیند. داده‌ها و مشاهدات متعلق به هر دو دین همچنین شامل رفتارهای کلامی و غیر کلامی ممنوعه (تابوها) بود که می‌توان سکوت را وجه مشترک رفتارهای ممنوعه متعلق به دو دین به حساب آورد. نکته آخر اینکه نظام‌های تکریمی هر دو دین در سوی مقابل خود حاوی الفاظ و عباراتی هستند که بیانگر نفرت و بیزاری مذهبی است. در کنار شباهت‌هایی که عنوان شد، مهم‌ترین تفاوت بین اقلام تکریمی در دو پیکره راه، صرف نظر از فراوانی و گوناگونی این القاب، می‌توان در انگیزه کاربرد این اقلام در دین اسلام به‌عنوان یک تکلیف دینی جستجو کرد که آن را تحت عنوان تولی و تبری می‌شناسیم.

**کلیدواژه‌ها:** زبان‌شناسی اجتماعی، ادوات تکریم، ادوات تحقیر، متون اسلام، متون زرتشتی، کلمات ممنوعه، نشان‌داری.

## مقدمه

نظام زبان به عنوان یک نهاد اجتماعی و بلکه مهم‌ترین نهاد در امر ارتباط و اطلاع‌رسانی، علاوه بر الفاظ با معانی صرفاً زبانی، دارای کلمات و عباراتی است که دارای بار اجتماعی بوده و کاربرد آن‌ها از سوی گوینده نشانه ادب و بیانگر شأن و مرتبه اجتماعی مخاطب است. از جمله این الفاظ می‌توان به «ادوات تکریم»<sup>۱</sup> اشاره کرد که از جمله شاخص‌های زبانی بوده و به دلیل بار معنایی خاص خود باعث تسهیل در امر ارتباط شده و به ایجاد ارتباطی مؤثرتر و موفق‌تر می‌انجامد. کاربرد الفاظی چون جناب، سرکار (خانم)، مکرم، حضرت، امام، استاد معظم، آیت‌الله العظمی و... در کنار هسته اسمی یا به جای آن، بیش از آنکه دلیل معنایی داشته باشد، نقش کاربردی که همان اکرام و احترام است دارد.

ادوات تکریم پدیده‌های کاربردشناختی جهانی<sup>۲</sup> هستند و در عین حال که در تمام زبان‌ها یافت می‌شوند، دارای ساختار زبانی متفاوت بوده و در سطح واژگان نمود متفاوتی دارند. این ادوات در برخی زبان‌ها ساختار دستوری و واژگانی گسترده‌تر و متنوع‌تری داشته و جایگاه مهم‌تر و شاخص‌تری را در روابط بین فردی به خود اختصاص می‌دهند. به طور کلی، در بین زبان‌های دنیا، زبان‌های آسیایی نسبت به زبان‌های اروپایی از گستره تکریمی بیشتری برخوردارند؛ به همین نسبت، در بین زبان‌های آسیایی، دو زبان ژاپنی و خصوصاً کره‌ای از این حیث غنی‌ترند. زبان کره‌ای برای بیان تکریم، هفت سطح مجزا دارد؛ در این زبان، برای خطاب به شخصیت‌های مذهبی، کودکان، بزرگسالان، زنان و مردان عناصر مجزا و تفکیک شده‌ای به کار می‌رود. به علاوه، این عناصر منحصر به مقوله خاصی نبوده و در سطح مقولات مختلف اسم، فعل و حتی نشانگرهای حالت نمود پیدا می‌کند. این مقوله اجتماعی طوری با ساختار زبان کره‌ای درهم تنیده شده است که به ندرت می‌توان در این زبان جمله‌ای را یافت که در آن یکی از تظاهرات تکریمی نمود نیافته باشد (سوهن، ۱۹۸۳: ۷).

در فرهنگ ایرانیان، مقوله ادب و تکریم<sup>۳</sup> دارای خاستگاه دینی و ملی غنی بوده و رعایت آن در رفتار و کلام افراد از اهمیت ویژه برخوردار است. از آنجا که احترام با مقولات «فاصله اجتماعی»<sup>۴</sup> و «قدرت»<sup>۵</sup> ارتباطی متقابل و دوسویه

دارد، لذا هرچه فاصله بین دو قطب گفتمان بیشتر باشد، در سطح کلام، عنصر ادب و احترام بیشتر نمود پیدا می‌کند. فاصله یاد شده می‌تواند حاصل برتری و قدرت مرجع گفتگو در یکی از زمینه‌های علمی، مذهبی، سیاسی، شغلی، اجتماعی و یا موضوعاتی از این دست باشد. این فاصله خصوصاً در حوزه دین و مذهب بسیار نمایان و آشکار است، زیرا در این حوزه، دو محور گفتگو بسیار از یکدیگر فاصله دارند؛ در یک سو، خداوند عالم است و متعلقات او (شامل شخصیت‌ها، مکان‌ها، زمان‌ها و پدیده‌های دینی) و در سوی دیگر، انسان است. در واقع، فاصله از عرش آسمان است تا فرش زمین و به همین جهت است که طولانی‌ترین عناصر تکریمی در حوزه مذهب و کلام دینی مشاهده می‌شود؛ عبارت زیر را در نظر می‌گیریم:

«پیامبر اسلام حضرت رسول اکرم محمد (مرتبت) (ادوات تکریم) (لقب) (ادوات تکریم) (اسم)

مصطفی ابن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم (صفت) (نسب) (عبارت دعایی)

عبارت تکریمی بالا تنها از یک اسم خاص تشکیل شده و برای ارجاع به یک فرد، رسول خدا (ص)، که در فرهنگ دینی ما از احترام بالایی برخوردار است، به کار می‌رود. در این عبارت، الفاظ دیگر جنبه توصیفی و نقش تکریمی دارند. ادوات تکریم در حوزه دین و مذهب به واسطه فاصله بین دو قطب گفتمانی یعنی ارجاع‌دهنده (گوینده یا فرد عادی) و مرجع (آنچه منسوب به خداوند است و جنبه مقدس دارد) از اهمیت بالایی برخوردار است و یک ادب دینی محسوب می‌شود. لذا با توجه به ضرورت کاربرد بجا و مناسب القاب تکریمی در حوزه مذهب و به نوعی تفکیک‌ناپذیر بودن این پدیده از کلام دینی، این مطالعه درصدد است تا به بررسی و مقایسه این الفاظ در متون متعلق به دین اسلام و آیین زرتشتی بپردازد که یکی خاستگاه دینی دارد و آن دیگری علاوه بر دین گذشتگان، دارای خاستگاه ملی نیز هست؛ بدین ترتیب، پژوهش حاضر قصد دارد به شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری، نقشی و کاربردی ادوات تکریم در دو متن فوق دست یابد. هدف کلی از این پژوهش، پاسخ به این پرسش است که آیا می‌توان در ارتباط با ادوات تکریم به مشخصه‌های عامی دست یافت که خاص حوزه دین و کلام

1. honorifics  
2. universal  
3. honorification  
4. social distance

5. power

می‌توانند به شکل‌های خطابی در زبان ظاهر شوند، اما تکریم بدون خطاب و بر اساس محور گفتگو نیز امکان‌پذیر است؛ مانند زمانی که درباره شخصی (و نه در مقابل آن شخص) سخن می‌گوییم. از سوی دیگر، القاب خطاب نیز الزاماً و همیشه احترام‌آمیز نبوده و حتی گاه ناقض وجهه‌اند. خطاب‌های نام‌آوا و همچنین خطاب‌های استعاری با مضمون منفی از این دسته‌اند (براون، ۲۰۱۵: ۳۲۹). استره‌کر (۱۹۹۸، نقل از آقا، ۱۹۹۴) نیز تفاوت بین این دو دسته از واژگان را در آنچه او «هم‌سنگی<sup>۱۰</sup>» در القاب خطاب و «تفوق یا برتر دانستن<sup>۱۱</sup>» در ادوات تکریمی تعریف می‌کند، می‌داند. هم‌پوشانی بین این دو مفهوم باعث شده است که عده‌ای ادوات تکریمی را زیرگروه القاب خطاب دانسته (کشاورز، ۱۹۸۸) و عده‌ای دیگر القاب خطاب را از انواع تکریم به حساب آورند (مورفی، ۱۹۹۸)؛ البته تعداد بیشتری از پژوهشگران بر تفاوت بین این دو دسته از واژگان واقف بوده و آن‌ها را از یکدیگر مجزا دانسته‌اند.

### نقش‌ها و ویژگی‌های القاب تکریمی

الفاظی که آن‌ها را با عنوان ادوات تکریم می‌شناسیم، دارای کارکردهای گفتمانی مختلفی هستند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از (فخر روحانی، ۱۳۸۲: ۳۶ و ۳۷):

- بیان رابطه میان گوینده، مخاطب و موضوع؛
  - تأثیرگذاردن بر احساسات مخاطب یا مخاطبان نسبت به موضوع گفتمانی؛
  - نشان دادن احساسات لحظه‌ای گوینده نسبت به شخص یا موضوع مورد بحث؛
  - انعکاس میزان تعلق گوینده به مرام، مسلک، عقیده دینی یا یک ایدئولوژی خاص؛
  - برجسته‌سازی برخی ویژگی‌ها در شخص مورد گفتگو مانند رتبه اجتماعی، سیاسی یا مذهبی وی؛
  - و نیز، تعیین موقعیت شخص یا اشخاص مورد گفتگو در یک موقعیت خاص و در مقایسه با دیگران.
- موارد فوق نشان می‌دهد که ادوات تکریم دارای معنایی از نوع معنای تلویحی<sup>۱۲</sup> و غیر مستقیم هستند.

از سوی دیگر، علی‌رغم تفاوت القاب تکریم در زبان‌های مختلف، در مواردی چون صورت‌ها و مقولات تکریمی، جایگاه آن‌ها نسبت به هسته، تنوع و گستردگی، اجبار یا

دینی باشد؟ به عبارت دیگر، هدف دستیابی به قواعد مشترک حاکم بر ادب دینی در سطح کلام است که آن‌ها را از تکریم عام متمایز می‌کند. در ادامه و به‌منظور ارائه تصویری روشن از آنچه با عنوان ادوات تکریم در زبان می‌شناسیم، در دو بخش مجزا به تعریف این اقلام و ویژگی‌های آن خواهیم پرداخت:

### تکریم در کلام

ادوات تکریمی آن دسته از صورت‌های اشاری (شاخص‌های) اجتماعی<sup>۱</sup> هستند که به عنوان نشانه‌های ادب<sup>۲</sup> و احترام نسبت به برخی مصادیق اسمی به کار می‌روند و کاربرد آن‌ها روشی است جهت رمزگذاری شأن اجتماعی بالای مخاطب (شیباتانی، ۱۹۹۸: ۱۶۰۰). این الفاظ، که در واقع نشانگرهای فرهنگی نمود یافته در زبان‌اند، صورت‌های قراردادی شده<sup>۳</sup> و مورد توافق گویشوران زبان هستند که ساختار زبان را از یک سو با «ادب»، که مقوله‌ای فردی و روان‌شناختی است و از سوی دیگر با «رتبه<sup>۴</sup>» و «فاصله<sup>۵</sup>»، که مقولاتی اجتماعی‌اند، پیوند می‌دهد (ایروین، ۱۹۹۵: ۵۲). در همین ارتباط، براون و لوینسن (۱۹۸۷: ۲۴) معتقدند که عناصر تکریمی ابزارهایی هستند که باعث تطبیف جو حاکم بر موقعیت گفتمانی شده و اساساً رفتارهای کلامی «حافظ وجهه<sup>۶</sup>» اند؛ چراکه خطاب مستقیم رفتاری است ذاتاً برخوردارنده و «ناقض وجهه<sup>۷</sup>» و چنانچه با عناصر تکریمی همراه شود، ملایمت بیشتری یافته و خوشایندتر می‌شود. این الفاظ که تنها به واسطه ارزش و بار معنایی خاصی که در اجتماع گرفته‌اند از الفاظ غیر تکریمی مجزا می‌شوند، مجموعه نشان‌داری<sup>۸</sup> را تشکیل می‌دهند که دارای قواعد مجزا و واژگان منحصر به فردند و بدین لحاظ از مجموعه بی‌نشان<sup>۹</sup> (عام و غیر تکریمی) متمایز می‌شوند.

ارینگتون (۱۹۸۸)؛ به نقل از آقا، ۱۹۹۴: ۲۴۰) به دو نوع محور تکریم اشاره می‌کند که بر اساس آن می‌توان هم‌پوشانی بین القاب تکریمی و صورت‌های خطاب را توضیح داد. این دو محور عبارت‌اند از: **الف)** محور گوینده-مخاطب و **ب)** محور گوینده-مرجع. بر این مبنا، اگرچه ادوات تکریمی

1. social deixis
2. politeness markers
3. conventionalized
4. rank
5. distance
6. face saving acts
7. face threatening acts
8. marked set
9. unmarked set

10. reciprocity  
11. superiority  
12. implicature

برخوردارند، زیرا علاوه بر اینکه درک صحیح و کاربرد مناسب آن‌ها مستلزم آگاهی از ارزش‌های موجود در جامعه است، معنای آن‌ها نیز نسبی بوده و از بافتی به بافت دیگر متغیر است. مفهوم دقیق این الفاظ تنها با تکیه بر موقعیت گفتار و همچنین نقش، رتبه و فاصله گوینده نسبت به مخاطب یا موضوع امکان‌پذیر است (سیفیانو، ۱۹۹۲: ۵۳).

**(ج) کاربردِ بودن:** به اعتقاد (ایروین، ۱۹۹۲: ۲۵۷) سه جنبه‌ای که ادوات تکریمی را با موقعیتِ کاربردی‌شان ارتباط می‌دهد عبارت‌اند از: شأن و مرتبت اجتماعی (مربوط به مخاطب یا موضوع گفتار)، احترام و نیز تواضع (از سوی گوینده). به علاوه، مفاهیم زبانی و مصادیق غیر زبانی ادوات تکریمی با معادل غیر تکریمی آن‌ها یکسان بوده و تفاوت این دو دسته از الفاظ در بار ارزشی و موقعیت کاربردی آن‌هاست.

**(چ) غیر مستقیم بودن:** اشاره غیر مستقیم به چیزی و یا درخواست غیر مستقیم یکی از روش‌های به کارگیری ادب در کلام و یا بیان مؤدبانه است؛ مانند مواردی که به جای جمله امری از ساختار پرسشی و یا خبری در کلام بهره می‌گیریم. به علاوه، بیان غیر مستقیم عموماً دارای ساختار طولانی‌تری است. آقا (۱۹۹۴، ۲۸۵) معتقد است که هر چه گفتاری غیر مستقیم‌تر باشد، مؤدبانه‌تر نیز هست. در ارتباط با القاب تکریمی نیز چنانچه در کلام، لفظ خطاب با ادوات تکریمی همراه شود غیر مستقیم‌تر، مؤدبانه‌تر و نیز طولانی‌تر ظاهر می‌شود. فخر روحانی (۱۳۸۲، ۹۷) در توضیح این مطلب به قرآن کریم اشاره می‌کند که خداوند پیامبر خود را تنها ۵ بار به طور مستقیم و با اسامی «محمد» و «احمد» مورد خطاب قرار می‌دهد<sup>۱</sup> و در سایر موارد از القابی چون «یا ایها الرسول»، «یا ایها النبی»، «یا ایها المدثر» و دیگر صورت‌ها استفاده می‌شود<sup>۲</sup> که به اعتقاد فخر روحانی بیانگر احترام و حرمتی است که خداوند برای رسول خود قائل است.

**(ح) کارگفتی<sup>۳</sup> بودن:** کاربرد ادوات تکریم در گفتار در واقع نوعی عمل مؤدبانه یا رفتار کلامی حافظ وجهه در فرد محسوب می‌شود همان طور که به کار بردن الفاظ تحقیرآمیز نوعی رفتار زشت، ناپسند و مذموم تلقی می‌شود. لذا می‌توان اجزای سه‌گانه یک کارگفت را در هر عبارت تکریمی

اختیار در کاربرد، سطوح یا مراتب تکریمی و غیره، عناصر فوق در برخی ویژگی‌ها و مختصات دارای اشتراکاتی هستند. این ویژگی‌ها اگرچه در تعریف ادوات تکریمی به طور پراکنده آورده شد، اشاره به مجموعه این ویژگی‌ها در یک بخش واحد و مجزا می‌تواند به درک بهتر و شفاف‌تر این مجموعه بینجامد. لذا بحث پیش رو را به این موضوع اختصاص خواهیم داد:

**(الف) نقش:** وظیفه اصلی صورت‌های تکریمی در تمام زبان‌ها رمزگذاری دستوری مرتبت و وجهه اجتماعی در سطح کلام است. این القاب در واقع رفتارهای کلامی حافظ وجهه‌ای هستند که مراتب ادب را به مرجع گفتگو ارتباط می‌دهند (آقا، ۱۹۹۴: ۲۸۸).

**(ب) کاربرد نسبی:** آگاهی و تسلط به ادوات تکریمی و نیز میزان به کارگیری آن‌ها در سطح کلام توسط اعضای یک جامعه به یک حد و میزان نبوده و اقشار و گروه‌های مختلف، بنا به موقعیتی که در آن قرار گرفته‌اند و نیز ضرورتی که احساس می‌کنند، این ادوات را به میزان مختلف و متفاوت مورد استفاده قرار می‌دهند. این مطلب، خصوصاً در ارتباط با کاربرد ادوات در حوزه دین و مذهب، مستلزم نوعی تعلق و وابستگی بین گوینده و موضوع گفتگوست (آقا، ۱۹۹۴: ۲۹۰).

**(پ) مرتبط با جنبه‌های فرهنگی-اجتماعی:** ادوات تکریم از جمله مقولاتی هستند که به طور مستقیم جنبه‌های اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی را در سطوح مختلف زبان رمزگذاری و بازنمایی می‌کنند؛ به همین دلیل، برای دریافت این نکته که از میان این مجموعه کدام لفظ برای یک موقعیت خاص مناسب و مؤدبانه است، باید به ارزش‌های موجود و پذیرفته شده در آن جامعه مراجعه کرد (سیفیانو، ۱۹۹۲: ۵۲).

**(ت) جهانی بودن:** پژوهشگران حوزه کاربردشناسی زبان بر جهانی بودن پدیده ادب و نمودهای مختلف آن از جمله سطوح تکریم اتفاق نظر داشته و معتقدند که می‌توان اصول جهانی ادب را بر پایه نظام تکریمی‌ای که توسط گویشوران یک جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد توضیح داد. عقیده غالب بر این است که همه زبان‌ها اقلامی در اختیار دارند که به طور قراردادی ارزش تکریمی را تداعی می‌کنند، لیکن موارد و مصادیق آن از زبانی به زبان دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت و متغیر است (براون و لوینسن، ۱۹۸۷: ۲۴).

**(ث) اشاری بودن:** ادوات تکریم از ویژگی اشاری بودن

۱. آل عمران: ۱۴۴؛ احزاب: ۴؛ محمد: ۲؛ فتح: ۲۹ و صف: ۶.

۲. می‌توان به موارد زیر در قرآن اشاره کرد: مدثر: ۲؛ احزاب: ۳۳؛ اعراف: ۱۵۸.

3. speech act

مهم‌ترین نمودهای ادب را در مقولات ادوات تکریم، الفاظ مصغرو نیز عناصر تحبیبی می‌داند و در رساله خود آن‌ها را در دو زبان انگلیسی و یونانی مقایسه می‌کند. آقا در پژوهش‌های مختلف (۱۹۹۳، ۱۹۹۴، ۱۹۹۸) به ساختارها و عبارات تکریمی در زبان‌های مختلف آسیایی از جمله تبتی لهاسا می‌پردازد. شیباتانی (۱۹۹۸) اثر خود را به بررسی ادوات تکریمی در زبان‌های ژاپنی، جاوه‌ای، آلمانی، کره‌ای و نیز تعدادی از زبان‌های بومیان استرالیا اختصاص می‌دهد. ایروین در دو اثر مجزا (۱۹۹۲، ۱۹۹۵) به بررسی جنبه‌های ساخت‌واژی و کاربردشناسی ادوات تکریم و نیز جنبه‌های ایدئولوژیک زبان پرداخته و نمایش ادب را از این چشم‌انداز شرح و توضیح می‌دهد.

ادوات تکریم در میان مطالعات پژوهشگران ایرانی نیز علی‌رغم اهمیت رعایت ادب در کلام و نیز تأثیر ادبیات دینی و مذهبی، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. تنها پژوهش در دسترس اثر نغزگوی کهن (۱۳۹۵) است که در چارچوب نظریه شیباتانی امکانات تکریمی را در زبان فارسی نو بررسی می‌کند. او علاوه بر اقسام و طبقه‌بندی‌های شیباتانی، طبقات دیگری شامل مطابقه فعلی، عبارات تمجیدی و تکریم‌های فعلی را به فهرست موجود اضافه می‌کند. پژوهش دیگر، رساله فخر روحانی (۱۳۸۲) است که به بررسی ادوات تکریمی موجود در ادبیات دینی زبان فارسی می‌پردازد. مهم‌ترین یافته او این است که برخلاف ادوات تکریم عام که به شدت متأثر از دو عامل «قدرت نسبی» و «فاصله اجتماعی» اند، در داده‌های دینی، دو اصل «تولی» و «تبری» تعیین‌کننده کاربرد این ادوات‌اند.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، کیفی و توصیفی است. داده‌های این پژوهش شامل الفاظ و عبارات حاوی مفهوم تکریم در متون مذهبی متعلق به دو دین است که از مجموعه‌ای از متون دینی اسلامی و زرتشتی گردآوری شد. دو پیکره مورد نظر (شامل داده‌های کتبی و شفاهی) پس از جمع‌آوری، به لحاظ معیارهای زبان‌شناختی شامل ویژگی‌های ساختاری، معنایی و کاربردشناسی و به هدف یافتن اشتراکات و افتراقات حاکم بر کاربرد این دسته از الفاظ و عبارات در دو دین مورد نظر، مورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. منبع ادوات تکریم در اسلام علاوه بر کتاب آسمانی قرآن کریم و سایر کتب مذهبی، ادعیه، متن سخنرانی‌ها و عزاداری‌ها نیز بوده است. به علاوه، فخر روحانی

بازشناسی کرد (براون و لوینسن، ۱۹۸۷: ۲۷):

- عمل لفظی<sup>۱</sup>: بیان یک اسم، لقب یا هر نوع عبارت تکریمی در ارتباط با شخص یا موضوع مورد گفتگو؛
- نیت انشایی<sup>۲</sup>: ادای هدف‌دار و آگاهانه احترام از سوی گوینده نسبت به موضوع کلام و القای آن به حاضران؛
- تأثیر کلامی<sup>۳</sup>: برانگیختن واکنش در حاضران همچون احترام متقابل، سکوت احترام‌آمیز و یا تأیید احترام.

در ارتباط با مورد آخر، فخر روحانی (۱۳۸۲: ۱۳۰) به کوشش آوایی هجای دوم نام محمد (ص) توسط واعظین اشاره می‌کند که واکنش تأثیری صلوات را توسط مستمعین به دنبال دارد.

### پیشینه پژوهش

مطالعه در حوزه ادب در کلام با انتشار کتاب *ادب: برخی جهانی‌های کاربرد زبان* توسط براون و لوینسن در سال ۱۹۸۷ رقم خورد. این کتاب صورت تکمیل شده و مبسوط مقاله‌ای بود که نه سال قبل توسط آن‌ها نوشته و ارائه شد. اهمیت این اثر در این بود که زمینه‌ساز مطالعات بعدی در این حوزه قرار گرفت و علی‌رغم نقدهایی که بر آن نوشته شد، همچنان تأثیرگذارترین اثر در حوزه ادب کلامی محسوب می‌شود. براون و لوینسن نظریه خود را بر پایه مفهوم کلیدی «وجهه<sup>۴</sup>» یا آبروی گافمن قرار دادند که به صورت تلقی (یا شخصیت) خوب و بارز اجتماعی فرد (از خودش) تعریف می‌شود. آن‌ها معتقدند که برخی اعمال ذاتاً ناقض وجهه بوده و لذا مستلزم تطلیف‌سازی‌اند؛ این پدیده در سطح ادوات تکریم به وضوح مشاهده می‌شود.

اگرچه بحث پیرامون ادوات تکریم از گذرگاه نظریه ادب می‌گذرد، اما پیشینه پژوهش متعلق به این حوزه، در مقایسه با حوزه ادب، بسیار محدودتر بوده و کمتر بدان پرداخته شده است. شاید دلیل این مطلب را بتوان در ماهیت زبان‌های غربی و اروپایی دانست که به نسبت زبان‌های آسیایی کمتر با پدیده تکریم مانوس و مألوف‌اند و به همین دلیل غالب مطالعات غربیان در زمینه تکریم، به بررسی این پدیده در زبان‌های آسیایی اختصاص یافته است. از جمله تأثیرگذارترین این مطالعات، که بعدها مبنای مطالعات دیگری نیز قرار گرفت، می‌توان به موارد زیر پرداخت: سیفیانو (۱۹۹۲)

1. locutionary act  
2. illocutionary act  
3. perlocutionary act  
4. face

در حوزه تکریم و نیز عبارات تحقیری / تحقیرآمیز<sup>۱</sup> در حوزه مذهب که مفاهیمی را شامل می‌شود که سوی مقابل عبارات تکریمی قرار می‌گیرند و به دلیل کاربرد قابل توجه در دو پیکره، بخشی را بدان اختصاص داده‌ایم.

### ۱. ساختار نحوی ادوات تکریم

ترتیب قرار گرفتن عناصر در عبارات تکریمی مرکب که ساختار آن‌ها متشکل از چند واژه است، از نظم و قاعده خاصی پیروی می‌کند؛ در متون هر دو دین، عبارات تکریمی هم در جایگاه قبل و هم در جایگاه پس از هسته حضور دارند. در اسلام، جایگاه مرتبت‌ها، القاب و غالب ادوات تکریمی پیش از هسته بوده و صفات توصیفی حاوی مفهوم تکریم و نیز عبارات دعایی پس از هسته قرار می‌گیرند؛ مانند عبارات زیر:

۱. امام علی علیه السلام  
مرتبت هسته عبارت دعایی
۲. حضرت جبرئیل امین  
مرتبت هسته عبارت دعایی
۳. آیت‌الله فاضل لنکرانی قدس سره  
مرتبت هسته عبارت دعایی

در آیین زرتشتی نیز همچون دین اسلام، ادوات تکریمی هم در جایگاه قبل و هم بعد از هسته اسمی ظاهر می‌شوند (در پانویست، معادل کلمات و عباراتی که از متون کتبی جمع‌آوری شده آمده است):

۴. ای مهین دادار<sup>۲</sup> هستی‌بخش  
حرف ندا صفت تکریمی هسته صفت تکریمی
۵. دادار اورمزد رایومند<sup>۳</sup> خرومند<sup>۴</sup>  
صفت تکریمی هسته صفت تکریمی صفت تکریمی
۶. زرتشت اسپیتمان<sup>۵</sup> پاک  
هسته نسب (صفت تکریمی)
۷. هو دانایان<sup>۶</sup>  
صفت تکریمی هسته (اسم جمع)

در رساله خود منبع قابل توجهی از این ادوات را در اختیار می‌گذارد. داده‌های مکتوب زرتشتیان نیز علاوه بر متن *اوستا* (رضی، ۱۳۶۳) از میان متون قدیمی همچون *گائها* (پوردوود، ۱۳۳۶)، *بندهشن* (بهار، ۱۳۶۹)، *مینوی خرد* (تفضلی، ۱۳۵۴) و *ویسپرد* (پوردوود، ۱۳۵۴)، *یشتها* (پوردوود، ۱۳۴۷) و نیز از طریق مراجعه به آثار جدیدتر همچون کتاب‌های *زرتشتیان، باورها و آداب دینی آن‌ها* اثر بویس (۱۳۸۱) و نیز *دینت زرتشتی نوشته آسموسن و همکاران* (۱۳۸۶) جمع‌آوری شد. به علاوه، گفتگو با موبد زرتشتیان کرمان نیز حاوی اطلاعات مفیدی در این زمینه بود.

از محدودیت‌های پیش رو در انجام این پژوهش و شاید مهم‌ترین آن‌ها، کمبود و چه بسا فقدان مجموعه منسجمی از اقلام تکریمی مورد استفاده در دو دین بود که لازم شد تمامی آثار مذکور مرور و داده‌های مرتبط از آن‌ها استخراج شود. کمبود آثار پژوهشی مرتبط با حوزه تکریمی در زبان فارسی، که پیش‌زمینه لازم در ارتباط با این موضوع را در اختیار بگذارد، نیز از محدودیت‌های دیگر در این زمینه است. مطالعه این پژوهش می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌هایی با موضوعاتی مانند مقایسه اقلام تکریمی در میان ادیان مختلف، تاثیر تقید و الزام مذهبی بر استفاده از این اقلام در گفتار روزمره و معمول و نیز چگونگی تغییر این اقلام در طی ادوار مختلف تاریخی باشد.

یافته‌های این پژوهش علاوه بر اینکه به درک بهتر اقلام تکریمی در حوزه دین و مذهب کمک می‌کند، با توجه به ارائه تحلیلی نقش‌گرا و کاربردشناختی از این مجموعه، می‌تواند نتایجی را در پی داشته باشد که با تحلیل صوری و ساختاری متفاوت بوده و جدید است. علاوه بر این و همان گونه که پیش از این نیز اشاره شد، از آنجا که پژوهش‌های اندکی در این حوزه انجام گرفته است، پژوهش حاضر می‌تواند گامی در جهت مطالعه پدیده تکریم باشد که عمیقاً در فرهنگ کلامی ما ریشه دوانده و با ساختار زبان ما درهم تنیده شده است.

### بحث و تحلیل

بخش پیش رو اختصاص دارد به مقایسه کاربرد ادوات تکریمی در متون مذهبی متعلق به دین اسلام و آیین زرتشتی که تحت پنج عنوان ارائه می‌شود: مقایسه ساختار نحوی حاکم بر عبارات تکریمی، مقولات مورد تکریم در دو دین، نشان‌داری، تابوها و حریم‌واژه‌های کلامی و غیر کلامی

#### 1. humiliative forms

۲. دادار (dādār) از نام‌های خداوند به معنای آفریننده
۳. رایومند (rāyūmand) به معنای نورانی و دارنده فروغ و شکوه که بیشتر برای اهورمزدا به کار می‌رود.
۴. خرومند (xrōmand) به معنای باشکوه و شکوهمند است.
۵. اسپیتمان (spitāmā) نام خانوادگی و لقب زرتشت بوده و به معنای مقدس و پاک است.
۶. هو دانایان (hu-dānāgān) به معنای بهترین دانایان، هو (hū) به معنای خوب است و در مقابل آن واژه «دش/دژ» (dōš/ dōz) به معنای بد است؛ همچون واژه‌های «دشمن» و «دشنام».

### ۳. نشان‌داری در ادوات تکریم

نشان‌داری در سطح واژه به معنای وجود یک نشان یا مختصه معنایی است که به مفهوم اولیه آن واژه اضافه شده و باعث خاص شدن معنا و یا محدود شدن کاربرد آن می‌شود (بروان و میلر، ۲۰۱۳: ۲۷۸). درارتباط با ادوات تکریم «نشان‌داری» را می‌توان کاربرد لفظ در بافتی محدودتر و خاص‌تر دانست؛ مانند اختصاص یک واژه یا عبارت به یک لفظ یا به یک موقعیت خاص. نمونه واضح نشان‌داری، کاربرد لفظ تکریمی «متعال» است که تنها در همنشینی با نام خداوند کاربرد پیدا می‌کند. ادوات تکریمی نشان‌دار و خاص در مقابل ادوات بی‌نشان و عام قرار دارند که با محدودیت کمتر در کنار مجموعه‌ای از اسامی مختلف حاضر می‌شوند؛ مانند لفظ «حضرت» که با اسامی مختلفی عبارت تکریمی می‌سازد؛ مثل: «حضرت حق»، «حضرت پیامبر»، «حضرت علی»، «حضرت سیدالشهدا»، «حضرت جبرئیل»، «حضرت آقا». نشان‌داری در سطح الفاظ تکریمی مرتبط با یک حوزه معنایی یا کاربردی خاص (همچون صفات تکریمی مربوط به خداوند، القاب پیامبران، امامان و معصومین، القاب مربوط به درگذشتگان و غیره) منجر به توزیع تکمیلی این القاب می‌شود؛ عبارات زیر در پیکره متون اسلامی آمده است:

۱۱. حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم
۱۲. حضرت امام حسین علیه السلام
۱۳. حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها
۱۴. حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۵. مرحوم علامه امینی قدس سره/ نور الله مرقده

همان گونه که مشاهده می‌شود، در نمونه‌های بالا، عبارت‌های دعایی به لحاظ معنایی نسبت به هسته اسمی نشان‌دار بوده و تنها در همنشینی با یک لفظ و یا با مجموعه‌ای از اسامی مشخص حضور می‌یابند؛ «صلی الله علیه و آله و سلم» منحصرأً برای پیامبر اکرم می‌آید و برای هیچ شخصیت دیگری به کار نمی‌رود، «علیه السلام» برای ائمه معصومین، «سلام الله علیها» منحصرأً برای حضرت صدیقه طاهره، زهرای اطهر و «عجل الله تعالی فرجه الشریف» منحصرأً برای حضرت مهدی (ع) به کار می‌رود. برای دیگر شخصیت‌های دینی مرحوم که معصوم نبوده لیکن از اعتبار دینی فراوانی برخوردارند، می‌توان به طور یکسان از عباراتی

درباره تفاوت دو پیکره مورد بررسی می‌توان گفت علاوه بر تنوع و گستردگی ادوات تکریم در اسلام، این ادوات دارای ساختار طولانی‌تری نیز می‌باشند که بر شدت و الزام ادب به کارگرفته شده و نیز یک وظیفه و تکلیف دینی دلالت می‌کند. به علاوه، جایگاه عبارات دعایی در ادوات زرتشتی قبل از اسم است.

### ۲. اقلام (مقولات) مورد تکریم

این بخش به مفاهیم مورد تکریم اختصاص دارد. پیکره مورد بررسی نشان می‌دهد که در هر دو دین، پدیده تکریم تنها مربوط به خداوند و شخصیت‌های مقدس نبوده بلکه زمان‌ها (همچون اعیاد)، مکان‌ها و نیز پدیده‌های منتسب به مذهب نیز مورد تکریم واقع می‌شوند. در زیر به نمونه‌هایی از انواع مفاهیم مورد تکریم در دو پیکره، نخست در اسلام و سپس در آیین زرتشتی اشاره خواهد شد:

۸. زمان: - عید سعید قربان، رمضان العلی (اسلام)  
- روز فرخ، ماه فرخنده (زرتشتی)
  ۹. مکان: - مشهد مقدس، مکه معزمه، مدرسه مبارکه رضویه (اسلام)  
- بهشت روشن پاکان، پیر چک‌چک، پیربانو<sup>۱</sup> (زرتشتی)
  ۱۰. اجسام و اشیاء: - قرآن کریم (مجید)، پارچه متبرک (اسلام)  
- بهدین<sup>۲</sup> (صفت دین زرتشتی)، گیاهان و هو<sup>۳</sup> (زرتشتی)
- مطالبی که در بالا طرح شد تشابه بین دو پیکره مورد بررسی در ارتباط با مقولات مورد تکریم را نشان می‌دهد. واضح‌ترین تفاوت بین دو پیکره به فراوانی، گستره و تنوع این ادوات در دو دین بازمی‌گردد. نکته دیگر اینکه در آیین زرتشتی، طبیعت و اجزای آن مقدس محسوب شده و به همین دلیل در این متون نمونه‌های متعددی از کاربرد این ادوات در همنشینی با عناصر طبیعت مشاهده می‌شود؛ مانند کاربرد ادوات توصیفی سودمند (sudāmand) برای ماه و ارواندسپ (aruāndasp) برای خورشید.
- 
۱. (pir bānū) و (pir čakčak) عبادتگاه‌های مقدس زرتشتیان که در نزدیکی شهر یزد قرار دارد.
  ۲. (vehdin) همان «به» در بهتر و به معنای دین نیکو و خوب است.
  ۳. وهو (vahu) به معنای نیک است.

#### ۴. ادوات تکریم پرهیزه<sup>۱۱</sup> (حریم‌واژه‌ها)

بسیاری از جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان تابوها یا رفتارهای ممنوعه را قدیمی‌ترین مجموعه قوانین بشری و از رفتارها، گفتارها یا اموری اجتماعی می‌دانند که بر طبق رسوم فرهنگی یا آیین‌های مذهبی ممنوع یا نکوهش‌پذیر باشد (نقل از لیمان، ۱۹۸۸: ۲۶۶). بنابراین، تابوها رفتارهای کلامی و غیر کلامی منع شده‌ای هستند که افراد یک اجتماع بنا بر آموزه‌های اجتماعی دریافته‌اند که نباید بگویند و یا انجام دهند.

به طور کلی در سنت دین اسلام، احترام و تکریم نه صرفاً نشانه‌ای از ادب بلکه یک وظیفه و تکلیف الهی محسوب می‌شود. اجتناب از کاربرد اسامی خاص متعلق به شخصیت‌های مذهبی و الزام به استفاده از القاب تکریمی و یا عبارات‌های اسمی جایگزین (عباراتی چون رسول خدا، امیرالمومنین، سیدالشهدا و... به جای کاربرد اسامی خاص این شخصیت‌ها) نمونه‌هایی از تابوی کلامی قلمداد شده و تعامل میان نگرش اعتقادی و ساختار زبان را نشان می‌دهد. فخر روحانی (۱۳۸۲: ۱۴۹) اجتناب از کاربرد مستقیم نام پیامبر (ص) و امام دوازدهم و به کار بردن القاب جایگزین مانند «رسول خدا» و لفظ جایگزین «قائم» را نمونه‌هایی از پرهیزه کلامی در سطح گفتار می‌داند چراکه بر زبان آوردن نام خاص آن‌ها، به لحاظ فرهنگ دینی، نوعی ناخرسندی را در پی دارد. وی همچنین به تأثیر کلامی نام پیامبر در مستمعین به صورت فرستادن صلوات و نیز امام دوازدهم به صورت برخاستن از حالت نشسته اشاره کرده و آن‌ها را نمونه‌هایی از تکریم دینی قلمداد می‌کند.

در بین داده‌های دین زرتشتی، به کلمه «اهورمزدا»<sup>۱۲</sup> در معنای خداوند برمی‌خوریم که خود لفظی غیر مستقیم در ارجاع به مرجع خود است؛ اهورا به معنی «سرور» و مزدا به معنای «بسیار دانا» است. به‌علاوه، در این متون، از آوردن نام خدای مهر خودداری شده و به جای آن از لفظ «بغ» استفاده می‌شود.

در همین رابطه می‌توان به سکوت در هنگام خطاب‌های مذهبی اشاره کرد که یکی از باید‌های رفتاری در مراسم مذهبی تمام ادیان از جمله اسلام و زرتشتی است و درمقابل سکوت، «سخن‌گفتن» رفتاری ناشایست و نکوهیده و لذا یک پرهیزه رفتاری به حساب می‌آید. در اسلام، سکوت

مانند «رحمه الله علیه»، «قدس سره» و «نورالله مرقده» استفاده کرد. در صورتی که مخاطب در قید حیات باشد از عباراتی مانند: «دام مجده»، «زید عزه»، «دام ظلّه الوارف»، «دام الله عزه» استفاده می‌شود.

در پیکره دین زرتشتی نیز می‌توان نمونه‌هایی از نشان‌داری را یافت، اگرچه به نسبت ادوات اسلامی از ویژگی عام‌تری برخوردارند؛ از جمله الفاظ عام در پیکره زرتشتی می‌توان به واژه «بغ»<sup>۱</sup> اشاره کرد که هم در معنای ایزد و هم در معنای شاه استفاده می‌شود. واژه «مزديسن»<sup>۲</sup> نیز لفظ عامی است که به معنای مزدپرست بوده و اشاره به تمام پیروان آیین زرتشتی داشته و در همنشینی با مجموعه وسیعی از اسامی به کار می‌رود؛ از نمونه‌های القاب نشان‌دار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: لقب تکریمی «اشو»<sup>۳</sup> غالباً (و نه همیشه) برای مرجع «زرتشت» به کار می‌رود. لفظ تکریمی «تن‌فریدار»<sup>۴</sup>، «سودمند» و «پیروزگر»<sup>۵</sup> برای سوشیانس (آخرین موعود زرتشتیان و به معنای نجات‌بخش)، «اهلو»<sup>۶</sup> در همنشینی با «سروش» و لفظ «افزانی»<sup>۷</sup> در کنار کتاب مقدس زرتشتیان «اوستا» مشاهده شد. «فره آب‌ها»<sup>۸</sup> نیز لقبی است که با ناهید می‌آید. علاوه بر آنچه عنوان شد، عبارات دعایی چون «انوشه‌روان»، «هو فروهر»<sup>۹</sup> و «بهشتی‌روان» که برای درگذشتگان به کار می‌رود، دارای مفهوم احترام‌آمیز است. این عبارات به همراه موارد بیشتر در زیر آمده است:

۱۶. اشو زرتشت

۱۷. سوشیانس تن‌فریدار

۱۸. سروش اهلو

۱۹. اوستای افزانی

۲۰. اردای فرود<sup>۱۰</sup>

۱. بغ (baγ) به معنای ایزد، شاه و بزرگ.

۲. مزديسن (mazdesn) به معنای مزدپرست.

۳. (ašavay/ašōg) به معنای پاک و مقدس

۴. (tanfarīrdār) به معنای سازنده تن

۵. (pērōzgar) به معنای پیروزگر

۶. (ahray/ ahlag) به معنای رستگار، پرهیزگار و پارسا

۷. (avistāg afzānīg) به معنای افزونی‌بخش و زیادکننده

۸. (abān Farrah xVarrah) به معنای دارنده فرّه آب‌ها

۹. این القاب در قیرنوشته‌ها کاربرد فراوان دارد. توضیح اینکه «انوشه» (anōšag) به معنای بی‌مرگی و جاودانگی است. لفظ «بهشت» نیز در

متون کهن به صورت (vahīšt) و در مفهوم کنونی می‌باشد.

۱۰. (ardāy fravard) به معنای فروهر مقدس

۱۱. taboo

۱۲. اهورمزدا/ هرمزد/ اورمزد (ārmazd)



مستمعین در هنگام تلاوت آیات قرآن، یک وظیفه و ادب دینی محسوب می‌شود؛ چنان که در قرآن آمده است: «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَانصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»<sup>۱</sup> (اعراف: ۲۰۴).

میرفخرایی (۱۳۶۷: ۴۳) در ترجمه کتابی با عنوان *روایات پهلوی*، که مجموعه‌ای متشکل از متون پهلوی نوشته شده در سده‌های نخست هجری قمری است، چنین می‌آورد: «دیوها و اجنه از اهریمن سوال می‌کنند چه کار کنیم که آیین‌های دینی و نیایش موبدان بعد از اوستاخوانی بی‌اثر شود یا به عبارتی، دعای عبادت‌کنندگان مؤثر واقع نشود؟ اهریمن در پاسخ می‌گوید که باید نیایش‌کنندگان را در حین یزشن (نیایش) تحریک و وادار کنیم که سخن بگویند چراکه اگر آن‌ها سخن بگویند ثواب خواندن اوستا از بین می‌رود و دعای آن‌ها پذیرفته نمی‌شود».

### ۵. عبارات تحقیری (تحقیرآمیز)

تمام زبان‌ها در سوی مقابل نظام تکریمی خود حاوی الفاظ و عناصری هستند که مفهوم تحقیر، تنفر و بیزارگی را می‌رسانند. براون و لوینسن (۱۹۸۷: ۱۷۸ و ۱۷۹) این دسته از الفاظ را که دارای محورهای کاملاً مشابه با ادوات تکریم‌اند، در زمره جهانی‌های ادب قرار داده و آن‌ها را در قطب مخالف ادب و نزاکت (حوزه بی‌ادبی/خلاف ادب)<sup>۲</sup> قرار می‌دهند. از جمله این عناصر می‌توان به «لعن‌ها» اشاره کرد که به لحاظ معنایی نقطه مقابل «سلام‌ها» بوده و برخی پژوهشگران از آن‌ها با عنوان «ناسزای دعایی»<sup>۳</sup> یاد کرده‌اند (ورشوئرن<sup>۴</sup>، ۱۹۸۷؛ به نقل از فخر روحانی، ۱۳۸۲: ۵۴).

در دین اسلام، بیزارگی از شخصیت‌های منفی به دو صورت انجام می‌گیرد: از طریق صفات تحقیری در جایگاه پس از اسم (نمونه‌های ۲۱ و ۲۲) و نیز با عبارت‌های لعنی که آن هم در جایگاه پس از هسته اسمی (نمونه‌های ۲۳ و ۲۴) آورده می‌شود:

۱۶. شمر ملعون

۱۷. یزید لعین

۱۸. هارون لعنه‌الله علیه

۱۹. یزید علیه العنته

در ارتباط با نقش «لعن» در اسلام بایستی به این نکته اشاره کرد که به لحاظ زبان‌شناسی پدیده لعن یک فعل کلامی محسوب می‌شود چراکه هم‌زمان با ظاهر شدن عبارتی در کلام، عملی نیز از طریق گفتن انجام می‌گیرد؛ یعنی، بیزاری جستن از ظلم و ظالمان که مرتکب عملی خلاف شرع و دین شده‌اند و در سنت اسلامی با عنوان «تبری» از آن یاد می‌شود (فخر روحانی، ۱۳۸۲: ۱۲۴).

ادوات تحقیری در آیین زرتشتی اگرچه به لحاظ کارکرد متفاوت بوده و فاقد کارگفت تکلیف دینی (تولی و تبری) و یا حداقل شدت این کارگفت (فعل کلامی) است، همچون همتای اسلامی خود، خشم و نفرت نسبت به مرجع اسمی را نشان می‌دهد. از میان ادوات تحقیری مشاهده شده در پیکره زرتشتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

گجستک<sup>۵</sup> (به معنای پلید و بد، متضاد کلمه هوجستگ<sup>۶</sup> که به صورت خجسته به دوره کنونی رسیده است).

گنامینو<sup>۷</sup> (به معنای روح مخرب و لقبی اهریمنی است).

پیتارگ<sup>۸</sup> (به معنای دشمن و لقب اهریمن است).

اهلموگی<sup>۹</sup> (به معنای آیین بد و شرک؛ و همچنین نام دیوی است).

دیوآفریده<sup>۱۰</sup> (به معنای زاده دیو و صفت زمستان بسیار سرد و آزاردهنده است).

به‌علاوه، لفظ «اهریمنی» به صورت صفت (منفی) مورد استفاده قرار می‌گرفته و در گذشته به صورت وارونه نوشته می‌شده است.

### نتیجه‌گیری

به منظور شناخت بیشتر چگونگی کاربرد اقلام تکریمی در متون مذهبی، این الفاظ را در دو پیکره متعلق به دین اسلام و آیین زرتشتی کاویده و به مقایسه بین دو مجموعه پرداختیم. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که کاربرد این ادوات، در پیکره‌های متعلق به دو مذهب، در مواردی دارای نقاط اشتراک بوده و البته افتراقات درخور توجهی نیز مشاهده شد که در زیر خلاصه‌ای از آن ارائه خواهد شد:

۵. gizistag

۶. hujastag

۷. gannāg mēnōg

۸. petyārag

۹. ahlamōy/ ahlamōgīh

۱۰. dēvān dād

۱. و هنگامی که قرآن خوانده می‌شود به آن گوش فرا دهید و خاموش مانید، باشد که مورد رحمت الهی قرار گیرید.

۲. impoliteness

۳. ritual insults

۴. Verschueren, J.

تابوهای کلامی، پرهیز از سخن گفتن و امر به سکوت در حین مراسم مذهبی در هر دو دین تأکید شده و در زمره تابوهای رفتاری قرار می‌گیرد.

- در هر دو پیکره، اقلامی یافت شد که به لحاظ معنایی کاملاً نقطه مقابل ادوات تکریمی قرار گرفته و حاوی مفهوم نفرت و بیزاری نسبت به اشخاص، نیروها و عوامل مقابل مذهب است. صفات و عبارات تحقیرآمیز و لعن‌ها در این دسته قرار می‌گیرد.

- مهم‌ترین تفاوت بین کاربرد اقلام تکریمی در دو پیکره را، صرف نظر از گستره و تنوع این اقلام در دین اسلام، می‌توان در انگیزه کاربرد این اقلام در دین اسلام به عنوان یک تکلیف دینی بیان کرد که آن را تحت عنوان تولی و تبری می‌شناسیم؛ در اسلام کاربرد ادوات تکریمی و تحقیری یک وظیفه و تکلیف دینی محسوب می‌شود و در واقع نوعی کارگفت (فعل کلامی) است که شخص از طریق آن الزام و تعهد خود را نسبت به اجرای قواعد دینی خود اعلام می‌کند. به بیان دیگر، این دسته از الفاظ بیانگر نگرش فکری و رفتاری فرد است که خود را ملزم به احترام گذاشتن به دوستان خداوند (تولی) و بیزاری جستن از دشمنان خداوند (تبری) می‌کند.

- بررسی دو پیکره نشان داد که به لحاظ ساختاری، ادوات تکریمی، طیف قاعده و نظم مشخصی، هم در جایگاه قبل و هم پس از هسته اسمی حضور می‌یابند؛ تفاوت بین دو پیکره در جایگاه عبارات دعایی است که در اسلام پس از هسته اسمی و در زرتشتی قبل از آن قرار می‌گیرد.

- در هر دو پیکره، علاوه بر خداوند و شخصیت‌های مقدس، زمان‌ها (اوقات)، مکان‌ها و نیز پدیده‌های منتسب به مذهب همچون اجسام نیز مورد تکریم قرار گرفته و با این ادوات حضور پیدا می‌کنند. تفاوت بین دو مذهب، گستره و فراوانی این ادوات در اسلام و تقدس طبیعت و اجزای آن در زرتشتی است.

- در متون متعلق به هر دو مذهب، ادوات تکریم خاص و نشان‌دار، که در کنار لفظ یا الفاظ خاص و یا بافت محدود حضور می‌یابند و همچنین ادوات تکریم عام و بی‌نشان، که با مجموعه وسیعی از الفاظ هم‌نشین می‌شوند، مشاهده شد.

- حریم‌واژه‌های مذهبی نیز وجه مشترک دو پیکره بود. اجتناب از کاربرد مستقیم نام اشخاص مقدس به انگیزه احترام و استفاده از عبارات جایگزین در هر دو مذهب مرسوم بوده و مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر

## منابع

فخر روحانی، محمدرضا (۱۳۸۲). کاربردشناسی ادوات تکریم در متون دینی فارسی معاصر. پایان‌نامه دکتری، تهران: دانشگاه تهران.

قرآن کریم. (۱۳۷۳). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: دارالقرآن الکریم.

میرفخرایی، مهشید (۱۳۶۷). روایات پهلوی (متنی به زبان فارسی میانه). تهران: موسسه مطالعات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.

ناشناخته. (۱۳۵۴). مینوی خرد. ترجمه احمد تفضلی. تهران: توس.

نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۵). امکانات تکریمی ارجاعی در فارسی نو: زبان فارسی در گذر زمان (مجموعه مقالات). تهران: کتاب بهار.

آسموسن، کای بار و مری بویس (۱۳۸۶). دیانت زرتشتی. گردآورنده و مترجم: فریدون وهمن. چاپ دوم. تهران: جامی.

اوستا. ترجمه هاشم رضی. تهران: فروهر، ۱۳۶۳.

بویس، مری (۱۳۸۱). زرتشتیان: باورها و آیین دینی آن‌ها. مترجم: عسکر بهرامی. چاپ دوم. تهران: ققنوس.

بهار، مهرداد. (۱۳۶۹). بندهشن/ فرنیغ دادگی. تهران: توس.

پورداوود، ابراهیم. (۱۳۴۷). ادبیات مزدیسنا یشت‌ها. تهران: اساطیر.

\_\_\_\_\_ (۱۳۳۶). یادداشت‌های گائاه‌ها. تهران: دانشگاه تهران.

\_\_\_\_\_ (۱۳۵۷). یادداشت ویسپرد. تهران: دانشگاه تهران.

Agha, A. (1993). Grammatical and indexical convention in honorific discourse. *Journal of Linguistic Anthropology*, 3, 131-163.

Agha, A. (1994). Honorification. *Annual Review of Anthropology*, 23, 277-302.

Agha, A. (1998). Stereotypes and registers of honorific language. *Language in Society*, 27, 151-193.

Brown, P. (2015). Politeness and language. In J. D. Write (Ed.), *International encyclopedia of*

- the social & behavioral sciences (2<sup>nd</sup> ed.)*(pp. 326-330). Amsterdam: Elsevier.
- Brown, P. & Levinson, S. C. (1987). *Politeness: Some universals in language usage*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Brown, K. & Miller, J. (2013). *Dictionary of linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Irvin, J. (1992). Ideologies of honorific language. *Pragmatics*, 2(3), 251-262.
- Irvin, J. (1995). Honorifics. In J. Verschueren et al. (eds.). *Handbook of Pragmatics* (pp. 1-22). Manual, Amsterdam: John Benjamins.
- Keshavarz, M. H. (1988). Forms of address in Post-revolutionary Iranian Persian: A sociolinguistic analysis. *Language in Society*, 17(4), 565-575.
- Lehman, W. P. (1988). *Historical linguistics: An introduction (4<sup>th</sup> ed.)*. New York: New York University Press.
- Murphy, G.L. (1998). Personal references in English. *Language in Society*, 17(3), 317-349.
- Shibatani, M. (1998). Honorifics. In: J. Mey (Ed.). *The concise encyclopedia of pragmatics* (pp. 341-350). Amsterdam-Lausanne- New York: Elsevier.
- Sifianou, M. (1992). *Politeness phenomena in England and Greece: A cross-cultural perspective*. Oxford: Clarendon Press.
- Sohn, H. M. (1983). Power and solidarity in Korean language, *Korean linguistics*, 14(3). 97-122.